

# گزارشی از وضعیت صابئین هندایی در ایران

## افشین نادری

### مقدمه

در کنار رود کارون در جلگه خوزستان، قومی صنعتگر و هنرمند زندگی می‌کنند که دین و آیین، زبان و خط خاصی دارند و همواره توجه دین‌شناسان، انسان‌شناسان و زبان‌شناسان را به خود جلب کرده‌اند. اینان خود را «مندایی» (Mandayi) و از نسل سام بن نوح می‌دانند. کتاب مقدس‌شان صُحف آدم است که خود به آن کنزا ربا (genza rabba) به معنی گنج بزرگ می‌گویند. این کتاب از دو طرف آغاز می‌شود. قسمت راست، که طولانی‌تر است، در موضوع الهیات مندایی، جهان و خلقت، تاریخ قوم و اساطیر؛ و قسمت چپ در موضوع اموات است. قرآن شریف، منداییان را با نام «صابئین»، اهل کتاب دانسته و در آیه‌های ۶۲ سوره بقره، ۱۷ سوره حج، ۶۹ سوره مائده از ایشان سخن گفته است.

وجه تسمیه «مندا» و «صَبی»

نامی که این قوم خود را به آن می‌خوانند، ظاهراً از کلمه «ماندا» یا «مندا» (manda) به معنای معرفت و شناخت مشتق شده است و این شاید دلیلی است که دین‌شناسان نشانه‌هایی از ارتباط میان این دین با فرقه‌های گنوسی یافته‌اند. اما «صَبی» (sobbi) در زبان عربی از «صب» به معنای «آب ریختن» است و این به دلیل آیین‌های تعمید در آب است که از ارکان این آیین به شمار می‌آید.

### آب: رمز مقدس حیات

در سخن گفتن از منداییان پیش از هر کلامی باید از «آب» آغاز کرد. آب زنده (جاری) [در اصطلاح مندایی، بردنه = (yardana) اردن] به نزد منداییان، مقدس و رمز و نشانه حیات اعظم است. تقریباً تمامی آیین‌ها و مناسک منداییان در کنار آب جاری انجام می‌شود. ایشان اعتقاد دارند که «بردنه» از زیر عرش جاری است و حیات نیز از زیر «بردنه» و دنیای نورانی بالا، مملو از آب زنده است.

مهمترین آداب دینی مندایی، یعنی غسل‌ها و تعمیدها در آب جاری، از همین اصل سرچشمه می‌گیرد. غسل و تعمید نه تنها جسم را پاک می‌کند بلکه گناهان و پلیدی‌های نفس را نیز زایل می‌سازد. آبی که نور را منعکس می‌کند، شکلی از نور است و کسی که تعمید کرده است، پوششی از نور دارد.

### تاریخ و جغرافیای اساطیری منداییان

حرمتی که این قوم برای آب جاری قائلند این عقیده را تقویت می‌کند که اصل این قوم و دین ایشان از فلسطین است.

کوه سرانذیب، قصر، مادای (کوه پروان)، کوه کارمل، اورشلیم، حران، اطراف دجله و فرات از شمال به جنوب تا شهرهای غربی خوزستان نظیر سوسنگرد، هوز، خرمشهر، اطلس جغرافیایی تاریخ منداییان را از حداقل ۴۰۰۰ سال پیش تاکنون تشکیل می‌دهد. منداییان قریب ۳۵۰۰ سال پیش، از مصر به حوزه فلسطین مهاجرت کرده و پس از ظهور حضرت یحیی مورد خشم یهودیان اورشلیم قرار گرفته، به اجبار از این شهر مذهبی مهاجرت کردند و در شمال بین‌النهرین و شهر حران (Harran) اقامت گزیدند.

### جمعیت و مراکز جمعیتی

ایران با ۱۵ تا ۲۰ هزار نفر مندایی دومین مرکز جمعیتی این دین است. منداییان عراق حدود هفتاد هزار نفر هستند که اقلیت‌های دینی رسمی پذیرفته شده‌اند و بیشتر در جنوب عراق در جوار دجله و فرات، و برخی از ایشان هم در شهرهای بغداد، موصل و کرکوک ساکن‌اند.

منداییان ایران، در استان خوزستان، و بیشتر در شهر اهواز و حومه آن، زندگی می‌کنند. در ماهشهر و شوشتر هم مندایی هست؛ اما تعداد منداییان شهرهایی چون سریندر، شادگان، خرمشهر و آبادان و... در حد چند خانوار است.

امروزه تعداد قابل توجهی از منداییان ایران در استرالیا به سر می‌برند و در همان جاست که بخش عمده فعالیت‌های پژوهشی در حوزه قوم، آیین و دین و زبان مندایی انجام می‌گیرد. برخی از منداییان به کشورهای حاشیه خلیج فارس و کشورهای اروپایی همچون سوئد، دانمارک و کشورهای کانادا و آمریکا نیز مهاجرت کرده‌اند.

### معیشت

معیشت منداییان در گذشته با توجه به محیط طبیعی و اقلیمی محل سکونت‌شان، کشاورزی و پرورش دام و طیور بود. اما آنان به صنعتگری و ساخت ابزار و وسایل زندگی روستایی و تهیه زیورات نیز

علاقه خاص داشته‌اند. به طور کلی منداییان در ساخت مصنوعات فلزی، قلمزنی روی نقره و طلاکاری، هنرمندان ماهری بوده‌اند و قلمزنی روی نقره، طلاکاری و طلافروشی هنوز هم شغل عمده آنهاست. هنر «قلم‌کاری سیاه روی طلا» هنری است که فقط منداییان با آن آشنا هستند؛ هرچند در سال‌های اخیر، نسل جوان، دیگر آنقدرها خود را مقید به ادامه شغل اجدادی نمی‌داند و راه تحصیل و دانشگاه را پیش گرفته است.

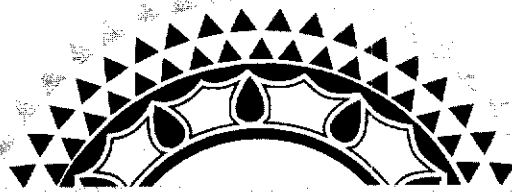
### زبان و خط

منداییان، صاحب زبان و خط ویژه‌ای هستند که به زبان و خط ماندایی معروف است و شعبه‌ای از زبان‌های سامی و شکلی از زبان آرامی است که در «بابل سفلی» منتشر بود و با زبانی که «تلمود بابلی» را با آن نوشته‌اند، قرابت نزدیک دارد. پژوهشگر آلمانی، نولدکه، نخستین بار دستور این زبان را نوشت و پژوهشگری به نام مارتسوخ درباره این زبان مطالعات گسترده‌ای انجام داد.

امروزه دیگر زبان مندایی، زبان مشترک اجتماعی نیست و جز جملات متداول روزمره، نماز و دعاهای تعمید، فقط خانواده‌های روحانیون هستند که در میان خود به این زبان صحبت می‌کنند. زبان غالب در میان منداییان عربی و سپس فارسی است. خط مندایی نیز خط مخصوصی است که از راست به چپ نوشته می‌شود و برای واژه‌ها و واک‌ها نیز علائم ویژه دارد و کتاب‌های مقدس ماندایی به این خط نوشته شده است. انجمن صابین مندایی، چندی است که به ترجمه بعضی از کتاب‌های دینی مندایی اقدام کرده است. یکی از پژوهشگران مندایی به نام شیخ سالم چحیلی در این زمینه فعال است.

### انجمن صابین مندایی

این انجمن که در سال ۱۳۴۹ شمسی توسط شیخ سالم صبوری، رهبر دینی صابین در آن زمان، بنا نهاده شد، در سال ۱۳۵۹ با اساسنامه‌ای در چهار فصل و ۲۴ ماده مجوز تأسیس گرفت. این انجمن در اهواز، انجمنی قومی-دینی است که به امور داخلی و مشکلات اجتماعی منداییان ایران می‌پردازد و علاوه بر آن، زیرمجموعه‌هایی نیز برای آموزش زبان، فرهنگ و دین مندایی دارد. هیأت‌مدیره ۱۳ نفره این انجمن با رأی‌گیری در اهواز و حومه انتخاب می‌شوند. از آن میان، روحانیون مندایی یک نفر را برای شرکت در هیأت‌مدیره انتخاب می‌کنند. منداییان سایر شهرها به صورت رأی‌گیری سنی کسی را به عنوان نماینده تعیین می‌کنند تا با انجمن در ارتباط باشد.



## رهبر دینی منداییان ایران

در دین مندایی رسیدن به مرتبه گنزورایی (genzevra) بسیار مشکل است و کسی که بتواند گنزورا شود، به عنوان رهبر دینی پذیرفته می‌شود. شیخ جبار طاووسی پیرمرد کهنسالی است که صاحب این مقام است. گنزورا باید در تمام مراسم عقد و عروسی و تعمیدهای مهم شرکت داشته باشد. «ترمیده» (tarmide) و حلالی (halali) دو مقام دینی هستند که حالت دستیاران گنزورا را دارند و می‌توانند عقد زن بیوه را بدون حضور گنزورا انجام دهند.

### تعمید در آب

منداییان سه گونه تعمید دارند که برخلاف تصور، آنها را منسوب به حضرت یحیی نمی‌دانند. یکی به نام «رشمه» (resama) که فرد هر روز پیش از آداب دینی آن را با آب جاری یا با آبی که از رود می‌آورد یا حتی با آب لوله‌کشی انجام می‌دهد. دیگری «طماشه» (tamase) نام دارد که هر کس می‌تواند با خواندن بوته (آیه یا دعا) و فرورفتن در آب جاری بدون نظارت روحانیون به انجام آن مبادرت کند. تعمید معمولی طماشه عموماً برای احتلام، لمس میت، زن زائو، بعد از عادت ماهیانه و لمس زن زائو قبل از پایان هفت روز اول زایمان صورت می‌گیرد.

سومین تعمید که تعمید رسمی است «مصوتا» (masvetta) نامیده می‌شود و تعمیدی است که تنها در حضور و با نظارت روحانیون عالی‌رتبه برای تعمید نوزاد و مادر در روز چهلم، برای عروسی و در مراسم اعطای درجه روحانیت و پاکیزگی از گناه و به صورت سنتی در هر یکشنبه برای عموم منداییان برگزار می‌شود.

### چوبی از زیتون، حلقه‌ای از یاس در آب

لباس «مصوتا» به نام «رسته» (raste) از پنج تکه تشکیل شده است که تعمیدشونده و تعمیددهنده به تن می‌کنند و در ابتدای مراسم، روحانی یا دستیارش کامل بودن آن را بر تن تعمیدشونده واری می‌کند. بوته‌هایی (آیه) که روحانیون از ابتدای صبح قرائت می‌کنند جنبه پاکسازی روحانی محیط تعمید را دارد.

روحانیون علاوه بر لباس پنج تکه، پارچه‌ای سفید از جنس نخ پنبه‌ای را به شکل تاج درآورده، بر سر می‌گذارند و عصایی از چوب درخت زیتون به دست می‌گیرند و انگشتری موسوم به «اصقی» در انگشت می‌کنند.

برای شروع مراسم تعمید ابتدا «گنزورا» (روحانی عالی‌رتبه) شاخه‌ای از بوته یاس به نام «آغا» (aqa) را تهیه می‌کند و به کنار روحخانه رفته، تعمید «رشمه» را انجام می‌دهد. بعد از آن به ساحل رود

می‌آید و به سمت شمال ایستاده و بوته‌های مربوط به «آغا» را می‌خواند و در ضمن خواندن آنها شروع به پیچیدن شاخه‌های آغا (یاس) می‌کند و آن را حلقه می‌کند. اکلیل نیز همین طور تهیه می‌شود. سپس دعای طلب مغفرت را بر روان تعمیدشونده می‌خواند. این دعا بر اساس نام دینی تعمیدشونده است. سپس با خواندن بوته دیگری «آغا» را روی سر می‌گذارد و دستار را روی آن می‌پیچد، طوری که دهانش را بپوشاند.

«اصقی» در انگشت کوچک دست راست روحانی، دعایی خاص دارد که روحانی آن را قرائت کرده، سپس به‌آهستگی اکلیل را در زیر دستار قرار می‌دهد. تمام این حرکات نمادین است. به انگشت کردن اصقی و قراردادن اکلیل در زیر دستار، نمادی از «مندا» یا معرفت است که بر بالای سرش قرار می‌دهد. سپس به سوی آب حرکت کرده، یا اشاره‌اش تعمیدشونده نیز در پی او می‌آید. او نیز باید پیش از ورود کامل به آب این بوته را بخواند: «به نام حیات اعظم/ با تکیه بر قدرت خداوند به سوی «پردنه» (آب زنده. جاری) آمدم/ و بنا به رسم، پذیرای پاک و نور شدم/ نام خداوند و نام «مندای» هستی ستایش باد.» آن‌گاه تعمیدشونده در جهت شمال در آب فرو می‌رود و می‌گوید: «من فلانی فرزند فلانی (نام دینی) / در آب پاک فرو می‌روم/ و تعمید می‌شوم/ تعمید مانند بهرم بزرگ/ فرزند نیکان و بزرگان است/ تعمید مرا از بدی‌ها نجات می‌دهد/ نام خداوند و نام مندای حیات ستایش باد.»

در این هنگام تعمیدکننده سه بار روی سر و روی تعمیدشونده که نیم‌خیز نشسته آب می‌پاشد و سپس توسط او «رشمه» می‌شود. در پایان نیز تعمیدکننده سه بار، چهار انگشت خود را در آب فرو کرده، پیشانی تعمیدشونده را از راست به چپ مسح می‌کند و می‌گوید که تعمیدشونده تعمیدش را طبق رسوم الهی برپا داشت. سپس نام خداوند را ستایش می‌کند و دوبار با دست راست به تعمیدشونده آب می‌نوشاند.

تعمیددهنده نیز در پایان می‌گوید: «حقیقت، تو را شفا می‌دهد» و از گنزورا این «بوته» را می‌شنود که «بخواه، می‌بابی، بگو، شنیده می‌شوی.»

### تولد و تقدس ازدواج

منداییان سعی می‌کنند نوزاد و مادرش را هفت روز دور از جمع نگه دارند و در روز چهلم نیز مراسم تعمید رسمی (مصوتا) برگزار می‌کنند.

هر فرد مندایی به غیر از نام خود، یک نام مذهبی نیز دارد که با توجه به ساعت و ماه تولدش به آن منتسب می‌شود و در تمام مراسم دینی با آن نام تعمید می‌شود.

در میان منداییان، تجرد گناه است و هر فرد مندایی

به عنوان وظیفه باید ازدواج کند و گفته شده که ازدواج‌شان درون همسری است. منداییان قبل و بعد از عروسی، عروس و داماد را تعمید رسمی می‌کنند. در میان آنها لباس عروسی لباس آخرت است. طلاق در دین مندایی نیست اما متارکه‌ای که زن و شوهر به آن راضی باشند، جایگزین طلاق می‌شود. از مراسم ویژه‌ای که منداییان در صبح روز عقد و تعمید انجام می‌دهند تهیه نان مخصوصی است که با خرما و آداب خاصی پخت می‌شود و «گنزورا» بر آن دعا می‌خواند و آن را جلو عروس می‌آورند. بزرگان مندایی عروس و داماد را به نان و لباس مقدس سوگند می‌دهند که همیشه به هم وفادار باشند.

«اشختتا» (esxenta) نیز خانه کوچک نمادینی است که آن را رو به شمال با گل درست می‌کنند و درونش شمع روشن می‌کنند و آن را نمادی از حرمت حریم خانه و روشنایی آن می‌دانند.

در میان منداییان اگر کسی همسرش را از دست دهد فقط در صورتی می‌تواند دوباره ازدواج کند که فرزندی نداشته باشد.

همین طور در ارت نیز تا زمانی که دختر ازدواج نکرده باشد، دختر و پسر به تساوی ارت می‌برند و در صورت ازدواج نیمی از ارت به دختر می‌رسد.

### مرگ در آیین مندایی

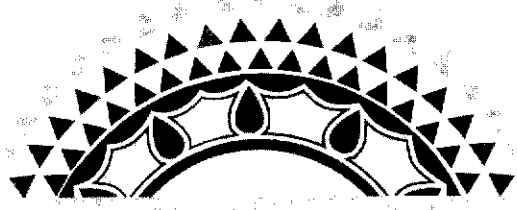
گریه و عزا و سیاه پوشیدن در میان منداییان جزو کارهای خلاف دین است. در آیین مندایی اگر بیماری در حال نزع رو به مرگ بود، او را با آبی که از آب جاری تهیه کرده‌اند تعمید می‌دهند و لباس عروسی‌اش را بر او می‌پوشانند.

منداییان معتقدند که روح مرده تا سه روز بالای جسد در قبر می‌ماند و بعد از سه روز حرکتش را رو به آسمان آغاز می‌کند. به همین خاطر آنها قبر را با چیزی به نام «سکیندوله» (sekindule) که نقش شیر و زنبور و مار و عقرب به نشانه عناصر اربعه دارد مهر می‌کنند. آنگاه بعد از سه روز «خانه کوچک نمادینی را که از نی ساخته‌اند، به نام مندلتا (mendelta) به آب جاری می‌اندازند، که نمادی از روح آدمی در آب جاری است.

### گاه‌شماری مندایی

منداییان ۱۲ ماه سی‌روزه دارند و پنج روز باقی‌مانده را، برعکس سایر فرهنگ‌های ایرانی، پنج روز مبارک «پنججه» (penjeh) می‌نامند و این روزها را از مبارک‌ترین و خوش‌یمن‌ترین روزهای سال می‌دانند. ماه‌های مندایی هر یک نام مخصوصی در زبان مندایی دارند.

در نظر منداییان هشت روز از سال نحس است که پنج روز پیش از عید پنججه، دو روز عید شیشیان (sisiyān) و یک روز بعد از میلاد حضرت یحیی



(ع) است که آن را به مناسبت کشتار کودکان مندایی توسط امپراتوری روم نحس می‌دانند.

«پنجه»، درودی بر رفتگان، تطهیری دوباره به دلیل اینکه پنج روز مبارک (پنجه) در حساب ماه‌های مندایی نیست، آنها را متعلق به مردگان می‌دانند و آن را به عنوان نمادی از زمان بازیافته جشن می‌گیرند و در آن عید گوسفند نر قربانی می‌کنند. از مراسم خاص این عید تعمید و درود برای رفتگان است. منداییان در این پنج روز کار نمی‌کنند و ظروف مسی خود را که در طول سال در آنها گوشت پخته‌اند، به کنار رود می‌آورند و تطهیر می‌کنند.

**عید بزرگ، آغاز سال مندایی**

عید بزرگ منداییان به نام «دهوا ربآ» (rabba dehva) در اول ماه «دولا» (dola) از ماه‌های مندایی است که مطابق با مردادماه است. در این روز، از ساعتی قبل از شروع سال، اقدام به خانه‌تکانی می‌کنند و نظافت شخصی را انجام می‌دهند و روز اول عید را در خانه می‌مانند و از صبح روز دوم سال به دید و بازدید می‌پردازند. نوروز بزرگ سه روز است. آنان در این سه روز تعمید و تطهیر می‌کنند.

**برآخه؛ نماز مندایی**

منداییان در سه وقت صبح، ظهر، و عصر «برآخه» می‌خوانند که به مندایی است و هر مندایی آن را می‌داند. پیش از اجرای آن نیز باید تعمید «اشامه» را انجام دهند.

منداییان در طول سال ۳۶ روز امساک می‌کنند. روزه منداییان دو نوع است: روزه خفیف و روزه سنگین. در روزه سنگین، خوردن ماهی، تخم مرغ و گوشت حرام است.

**مندئ؛ مکان مقدس**

مندئ یا ماندئ (mandi) معبد مندایی‌هاست که در کنار رودخانه از نی و گل ساخته می‌شود. در قسمت جنوبی آن حوضی برای تطهیر است که به وسیله دو کانال با آب رودخانه مرتبط است تا آب حوض را کد نباشد.

**پیشوایان مذهبی**

اگرچه هر مندایی که دارای صفات برجسته جسمی و روحی و از خانواده‌ای سرشناس باشد می‌تواند به مقام کاهنی برسد، ولی کهنات عملاً ارثی است و خانواده‌ای وجود دارد که کهنات قرن‌ها در میان اعضای آن ارثی بوده است.

یک کودک هفت‌ساله پس از آنکه تحت تعلیم بزرگان مذهبی و شیوخ فرقه قرار گرفت، در سن ۲۹ سالگی آماده می‌شود به عنوان «حلالی» در جمع روحانیون حضور یابد و در هنگام انجام تشریفات مذهبی پیش‌نمازی فرقه را به عهده گیرد. او بعد از چند سال حلالی، به سمت پیشوای مذهبی

«ترمیمه» انتخاب می‌شود و همین ترمیمه است که «گنزورا» یا رهبر دینی مندایی از بین‌شان انتخاب می‌شود.

**کتاب مقدس مندایی**

کتاب مهم مقدس مندایی عبارتند از:

۱. «گنزا ربآ» (genza rabba) یا گنج بزرگ که همان صحف حضرت آدم است.
۲. «دراشه دیحیی» (derasa de) که به معنای «منقولات یحیی» است.
۳. «درا د نشمته» (dera de nasmata) که درباره آداب تعمید و غسل سخن می‌گوید.
۴. «سفر د ملوشه» (sefar de malvasa) که موضوع آن بحث درباره نجوم و احکام افلاک است.
۵. «الف ترسر سیاله» (alf tresar siala) که در آن هزار و دوازده سؤال دینی مطرح و پاسخ داده شده است.

**برخی از احکام و قوانین مندایی**

دین مندایی فاقد سیستم حقوقی قضاوت است. اعتقاد به تأسیس دولت نیز در متون مندایی دیده نمی‌شود. مالکیت محترم است ولی استثمار انسان از انسان نفی شده است. مالیات دینی در دین مندایی وجود ندارد. «گنزورا» به عنوان قاضی نمی‌تواند به کسی امر و نهی کند. در این دین، احکامی چون اعدام و سنگسار وجود ندارد. غیرمنداییان حق ورود به این دین را ندارند اما خروج از دین برای منداییان آزاد است و شامل حکم مرتد نمی‌شود.

**نشریات و کتاب‌های منتشرشده مندایی**

انجمن صابین مندایی در اهواز، جزوه‌ای را با نام «رویدادهای داخلی صابین مندایی» در ۴ صفحه منتشر می‌کند.

منداییان ایران ساکن در استرالیا هم مجله‌ای به نام صوت المندی به چاپ می‌رسانند که پژوهشگر مندایی سلیم برنجی صاحب کتاب قوم از یادرفته نیز از اعضای تحریریه آن است. به غیر از این، منداییان استرالیا سائیتی با نام «جهان منداییان» راه‌اندازی کرده‌اند. اخیراً کتاب آیینی یا کتاب نماز با ترجمه شیخ سالم چحیلی و مقدمه مسعود فروزنده در ایران به چاپ رسیده است. انجمن

صابین مندایی نیز درصدد چاپ و ترجمه تعداد دیگری از کتاب‌های مندایی است. در عراق منداییان به صورت گسترده‌تری اقدام به چاپ کتاب کرده‌اند و یکی از این کتاب‌ها، ترجمه عربی «گنزا ربآ» در سال ۲۰۰۰ میلادی بود.

**منابع و ماخذ:**

- برنجی، سلیم (۱۳۶۷)، قوم از یادرفته، دنیای کتاب، تهران.
- فروزنده، مسعود، با همکاری آن ربیه (۱۳۸۰)، صابین ایران زمین، تهران، نشر کلید.
- مصاحبه غلامحسین (۱۳۴۵)، دائرةالمعارف مصاحبه مؤسسه انتشارات فرانکلین، جلد سوم.
- و با سپاس از شیخ سالم چحیلی، آقای شیرالی در دایره‌المعارف اسلامی و آقای مسعود عربستانی پژوهشگر انسان‌شناس که امکان استفاده از پژوهش‌های میدانی‌شان را در اختیار گذاشتند.

